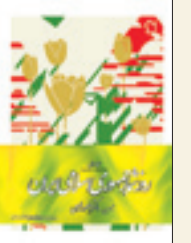


پیش‌خوان

نظر و گذری بر اثر تاریخی– پژوهشی «روزشمار انقلاب اسلامی»

انقلابی که منحصر به فرد بود

■ **شاهد توحیدی**



اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنامای ناشر در معرفی این کتاب، به نکات بی‌آمده اشارت برده است:

«انقلاب اسلامی ایران با تمام خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود در میان انقلاب‌های جهان سوم نیز گونه جدیدی از این پدیده به شمار می‌رود. انقلابیون در کشوران انقلاب، نه علیه رژیم حاکم دست به سلاح بردند و نه به اماکن عمومی کمترین آسیبیی وارد آوردند و نهایتاً با کمترین خشونت ممکن با تمسک به آموزه‌های شیعی و به‌کارگیری تاکتیک تظاهرات و اعتصابات فراگیر، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند. اساساً قوه محرکه انقلاب اسلامی، حضور میلیونی و بدون خشونت مردم در خیابان‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی بود. مجموعه عواملی که تا پیش از این در جوامع غربی و شرقی عامل اصلی انقلاب‌ها محسوب می‌شدند، در انقلاب ایران نقش اصلی را نداشتند. به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران، برخی از متفکران و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را در خصوص نظریه‌ها و تئوری‌های انقلاب به تفکر و بازنگری وادار کرد. مثلاً تنها اسکاجپول که آرمان‌ها و عقاید را عوامل ثانویه در تحلیل ریشه‌ها و پیامدهای انقلاب‌ها ارزیابی می‌کرد، مجبور شد تا در تحلیل خود بازنگری کند و بپذیرد که حداقل در انقلاب ایران، آرمان‌ها و به‌طور اخص اسلام انقلابی، باعث تحریک کنشگران انقلابی شد. البته نقش نیروها و گروه‌های اجتماعی



نمایی از یکی از راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی

در گریز در انقلاب اسلامی نیز تا حدودی با آنچه تا پیش از این در دیدگاه‌های معطوف به نظریه‌های لیبرالی و مارکسیستی از انقلاب وجود داشت، متفاوت بود. مهم‌تر از هر چیز تقاضا و خواسته‌های انقلابیون بود که این مسئله نیز وجه تمایز انقلاب ایران با انقلاب‌های مشابه در جهان سوم بود. این وجه تمایز در شعارها، پایگاه‌های اجتماعی و نیروهای اصلی هدایتگر انقلاب نمایان بود. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی – که برآیند خواسته‌های انقلابیون بود– نیروهای اجتماعی مدرن و سنتی و طبقات اجتماعی متوسط و پایین را که در ظاهر هیچ سنسختیتی با هم نداشتند، علیه ساختار موجود متحد کرد و آنها با قبول رهبری امام خمینی، پای در راه انقلاب نهادند و با بهره‌گیری از آموزه‌های شیعی و خصوصاً الگوگیری از قیام امام حسین(ع) و الهام از فلسفه‌عاشورا، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند. اما پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های سیاسی گوناگونی که در فاصله تبعید حضرت امام(ره) تا ظهور انقلاب اسلامی، با وجود ایدئولوژی‌های متفاوت، موقتاً خود را با روحانیت مردم هماهنگ کرده بودند، راهی غیر از خواست مردم را برگزیدند و خواسته‌هایی در تضاد با ماهیت اسلامی انقلاب مطرح کردند که این مسئله را می‌توان در سطحی گسترده در میان اغلب گروه‌های ظهوریافته پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده کرد. چنان‌که به جز گروه‌های اسلام‌گرا که تحت تأثیر شخصیت امام خمینی و در قالب نهادهای انقلابی، از مشیی واحدی یعنی خط امام تبعیت می‌کردند، بقیه گروه‌ها که طیفی از گروه‌های ناسیونالیست لیبرال تا مارکسیست –لنینیست را شامل می‌شدند، هر یک به طریق خود می‌رفتند و یکدیگر را به بهانه‌های مختلف متهم می‌کردند. از سوی دیگر یکی از معیارهای موقیعت انقلاب‌ها، اقتدار و استواری نهادهای ناشی از انقلاب می‌باشد. این موضوع، بر حسب آینده‌نگری امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران نیز تحقق یافت. . . .»

■ **نوشه میر میر عشی**

باوج گیری و سپس پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امریکایی‌ها یا پدیده‌ای ناشناخته یا کمتر شناخته شده به عنوان «مکتب تشیع» یا «اسلام ناب محمدی(ص)» مواجه شدند. عقایدی که نیاز بود در مدت زمان کوتاهی مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد تا مسئولان ایالات متحده امریکا بر مبنای آن به فهم مواضع و واکنش‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مردم ایران دست پیدا کنند. این مسئله مهمی بود که می‌توان ردپای آن را در اسناد لانه جاسوسی امریکا در تهران دید. در مقال **پی آمده نگاهی داشته‌ایم به تلاش امریکایی‌ها برای شناخت عقاید علمای شیعه و مبنای مکتب تشیع** در سال‌های منتقی به پیروزی انقلاب و ماه‌های بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران تا فتح لانه جاسوسی. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■ ■ ■

■ **اسلاف شرق شناس امریکایی‌ها**

کشورهای استعمارگر اروپایی سال‌ها قبل از ورود به مرحله استعمار مستقیم کشورهای قاره آسیا و آفریقا، مرحله شناسایی و نفوذ به آن کشورها را آغاز کرده بودند. آنها در مرحله شناسایی نیاز داشتند افرادی با مطالعه عمیق، اطلاعاتی صحیح از مردمان سرزمین مقصد را به دست بیاورند. انجام این وظیفه در عهده مستشرقین بود. در واقع این شرق شناسان از کشورهای مختلف اروپایی تلاش می‌کردند با مطالعه و پژوهش، شناخت نسبتاً خوبی از «زبان»، «آداب و رسوم»، «ژاد و قومیت» و مهم‌تر از همه «عقاید» مردم کشور هدف به دست بیاورند.^(۱) این شناخت البته با نیت خیر نبود، بلکه با هدف تسلط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر کشورهای مورد پژوهش انجام می‌گرفت. با این حال جالب است که عموم مستشرقینی که حوزه مطالعاتی آنها باورها و عقاید دینی مسلمانان بود، ره به حقیقت نبرد و تنها

چالب است که عموم مستشرقینی

که حوزه مطالعاتی آنها باورها و عقاید دینی مسلمانان بود، ره به حقیقت نبرده و تنها تعداد بسیار اندکی از ایشان توانسته‌اند فهم عمیقی از آموزه‌های قرآن و دین اسلام را به دست آورند. در واقع عموم این مستشرقین، به برداشت‌های سطحی از اسلام و حتی باورهای توده‌های مسلمانان بسنده کرده‌اند!



۱۳۵۸.تشنای از حضور یک خانو مسلمان در یکی از راهپیمایی‌ها



با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و مشاهده ایستادگی و روحیه انقلابی توده‌های مردم – که پیرو اسام خمینی و یاران ایشان بودند– امریکایی‌ها به ناکار آمدی روش‌های سرکوب پی بردند و یه ناگاه متوجه اهمیت کار مستشرقین شدند! برای همین دست به کار شده و از مأموران خود خواستند اطلاعاتی درباره مبانی اندیشه علمای شیعه و ریشه‌های اعتقادی شیعیان جمع آوری کنند. آنان این بار می‌خواستند با سلاح مذهب، علیه مذهب وارد عمل شوند

در دوران قاجار هم روحانیون از این حرفه استفاده می‌کردند(این حادثه (شهادت امام حسین) در تاریخ روحانیت شیعه، هسته مردمی اسلام است و در ایران، این مسئله همواره دنبال می‌شود و یاد این حادثه، هر ساله بر گزار می‌مراسم غم انگیزی در سوگ امام حسین و خانوادهاش در صدها نقطه، در اختیار زنده می‌ماند. مخالفت روحانیت منحصرأ متوجه شاه فعلی نبوده است، اگر چه روحانیون دلایل خاصی برای تنفر از پهلوی‌ها دارند. از زمانی که شیعه اسلامی به عنوان مذهب رسمی برقرار شد (قرن شانزدهم)، علمای شیعه با هر سلطنتی مخالفت کرده‌اند. مخالفت آنها یک پایه مکتبی و ایدئولوژیکی دارد، چون ماهیت شیعه در اسلام، تمام مالکان مادی را غیر قانونی می‌داند. راهمبای قانونی در امور انسان‌ها،ز جرای مجتهدین که رهبران روحانی و نمایندگان امام و سختگوی خدا و تنها منبع قدرت هستند، می‌تواند امکانپذیر باشد. هر شیعیانی باید از تعلیم یک مجتهد پیروی کند. با توجه به این روش و اعمال آن در مورد ششاه و دیگر مقامات رسمی، نقطه نظر روحانیت این است که دولت باید بازوی اجرایی روحانیت باشد.»^(۲)

با آنکه این سند به جهت محتوا، حاوی اطلاعات بسیار مهمی درباره مبانی عقیدتی علما و جرای پیروی مردم از رهبران دینی است، اما ظاهراً چندان مورد توجه رهبران سیاسی امریکا قرار نگرفته است و همچنان مبناراً بر سیاست حمایت از حکومت سرکوبگر شاه قرار داده‌اند و در آن مقطع زمانی به فکر اصلاح سیاست‌های خود نینفکادند!

■ **درهم آمیختگی ارزیابی‌های صحیح و غلط**
با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در پاییز سال ۱۳۵۷ شمسی، ظاهراً ریشه یابی علل ایجاد وضعیت موجود، برای امریکایی‌ها مهم‌تر می‌شود. از این روی سولیوان سفیر امریکا در تهران، در گزارشی به سند ۶۴ که در اکتبر ۱۹۷۸ م. (مهر ۱۳۵۷ ش.) خطاب به وزارت امورخارجه کشورش تنظیم شده، به ارزیابی ناآرامی‌های اجتماعی در ایران می‌پردازد. او



۱۳۵۸.تشنای از یکی از راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی

وقتنی اسناد لانه جاسوسی سخن می‌گوید

در بخشی از گزارش خود، درباره امکان به توافق رسیدن روحانیون شیعه با حکومت شاه می‌نویسد: «روحانیون شیعه که مؤثرترین گروه مخالفان را تشکیل می‌دهند، همچنین در میان خود با یکدیگر متفاوتند. بانفوذترین رهبر آنها آیتالله خمینی که سال‌هاست تبعید شده، خواستار سرنگون کردن شاه و برقراری یک حکومت الهی شده است، بنابراین عملاً هیچ شانس نیست که شاه یا هر گونه حکومت غیرمذهبی با او به یک راه‌حل برسد. چهره‌های مترقی تر مذهبی در ایران از جمله آیتالله شریعتمداری روحانی سرشناس، خواستار نقش کاهش یافته تری برای شاه و اجرای نظارت بر قوانین از سوی یک کمیته روحانیون هستند که تطبیق قوانین را با تعلیم اسلامی تشخیص دهد… عنصر رهبری غیرنظمی که دارای وسیع‌ترین پیروان خلقی است و بیش از همه مورد سوظن سسایر رهبران است تا چند سال دیگر روحانیون شیعه خواهند بود. چهره‌هایی مانند آیتالله خمینی و شریعتمداری هم اکنون نفوذ نیرومندی را بر دولت اعمال می‌کنند و هر کس دیگری که بر مسند قدرت باشد، بر آنها نیز اعمال خواهند کرد، ولی آنها کمتر شانس آن را دارند که از پیروان وسیع خود، برای به‌دست گرفتن کنترل دولت برای خودشان بهره‌گیری کنند. با وجوداین نفوذ نیرومند، آنها برای مدت زیادی در جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حکومت‌های غیرمذهبی یا غیرنظامی با نظامی از آن پیروی می‌کنند، ادامه خواهند داد.»^(۳)

جالب است که در این سند، سولیوان از مبنای اندیشه علما و به ویژه حضرت امام خمینی(ره) ارزیابی درستی دارد و شناخت خوبی درباره تشکیل «حکومت الهی» به دست آورده است، اما نمی‌تواند ارزیابی درستی از تأثیرگذاری و قدرت جریان مذهبی در کشور داشته باشد.

■ **آرمان‌های شیعه در اسناد لانه جاسوسی**
با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام برآمده از آن با رأی قاطع مردم، وضعیت برای امریکایی‌ها بحرانی‌تر شد. به همین دلیل هم مراکز مطالعاتی امریکا به داشتن اطلاعات درباره آرمان‌های شیعه نیاز بیشتری احساس کردند. برهمین مبنای یکی از مأموران سفارت به‌نام ویلیام‌ای گر ریفت، در سندی به شماره ۲۶ که در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۷۹ م. (۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ ش.) تنظیم شده، در گزارشی با عنوان «تجدید حیات و احیاء بنیادگرایی اسلامی در ایران»، به مسئله باور شیعیان درباره دوران غیبت و وظیفه علما در این دوره می‌پردازد. گر چه در این سند روایت‌های مخدوش و غلطی درباره علمای شیعه در طول تاریخ وجود دارد، اما توجه امریکایی‌ها به ریشه اعتقادات علمای شیعه بسیار جالب است. در بخشی از این سند آمده است: «در سال ۸۷۴ میلادی بنا به روایات شیعه اثنی عشری، امام دوازدهم محمد مهدی ناپدید شد، یعنی به غیب رفت، بنابراین از آن تاریخ، کلیه ولایت‌های دنیایی و مذهب‌تدین (مقامات دینی مهم که در آنک معمولاً به آنها آیتالله اطلاق می‌شود) در تقلید از آنها فرض است، لاقلاً پابین‌تر بوده‌اند و علاوه بر آن یک مجتهد است که اغلب به نام مرجع تقلید شناخته می‌شود، درست همان چیزی که امروزه آیت‌الله خمینی است. تشیع معتقد به استقرار حکومت الهی جهانی و رهبری برگزیدگان است و بین خیر و شر، شدیداً تمایز می‌نمزد. اگر چه علمای شیعی از نظر خدانشناسی دچار کود و سکون بوده‌اند، ولی عرفاً فلاسفه شیعی و صوفیه – که از آن میان می‌توان از ملاصدرا (متوفی به سال ۱۰۶۴ م.) نام برد– معتقد بودند که متفکران خاصی (اولیا) می‌توانند و باید دیدگاه‌های امام را بیان دارند و بدین ترتیب، حتی در زمان غیبت نیز به سوی کمال روند.»^(۴)

همچنین در سندی به شماره ۱۰ – که از سوی استاد انسان شناسی دانشگاه هاروارد «مایکل ام. جاجش، فیث» در تاریخ ۲۵ می ۱۹۷۹ م. (۴ خرداد ۱۳۵۸ ش.) تنظیم شده، توضیحات مبسوطی درباره جرایب وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پیش زمینه‌های فکری و فرهنگی آن آورده شده است: «تشیع تا اندازهای از لحاظ نهادها و با اسلام سنی فرق دارد. روحانیون شیعه به این افتخار می‌کنند که تنها هیئتی از علما در جهان اسلام هستند که از دولت مستقل مانده‌اند. مقر قدرت آنها نه تنها در پایتخت‌ها نبوده است، بلکه اغلب خارج کشور (در جنوب عراق) بوده است، آنها نه تنها وقف‌های مذهبی را اداره می‌کردند، بلکه تزکوه می‌گرفتند و به آن چک شالوده مالی مستقل از دولت می‌دادند… چهره کلیدی در این زمینه شاید شریعتی باشد، زیرا او بود که شرایط اندیشه‌ای را که اسلام و نوآوری می‌توانند به اتفاق

وجود داشته باشند و کار کنند، پیش کشید و مثلاً به برکت او بود که آیت‌الله خمینی لقب «امام» را دریافت کرد. شاید این یک نمونه بیان‌کننده باشد، هر چند حائز اهمیت کمتری است. طبق اظهار پیروان شریعتی، یک امام چهره حائز این جاذبه است که از میان مردم برمی‌خیزد و اراده عمومی را بیان می‌کند. از نظر خود شریعتی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، این اصطلاح صرفاً تز جمه یک عبارت سنتی الهی بود و امام را می‌توان در مقوله جامعه‌شناسی بر به عنوان یک رهبر بر جاذبه تشریح کرد. محدک‌لک برای انقلابیون سال‌های ۱۹۷۷–۱۹۷۹ م.، یک منطق غامض به آنها اجازه می‌دهد که لقب امام را به خمینی اطلاق کنند. خمینی از میان مردم برخاست و بیان‌کننده اراده آنها است، اما اینکه اطلاق لقب الهی امام به خمینی تا چه اندازه صحت دارد و حاوی دانش‌خاط‌پذایر است، باید

بعداً معلوم گردد.»^(۵)

■ **اسلام شناسان رو به تورم**

به این ترتیب فعالیت مستشرقین نوپای امریکایی در زمینه شناسایی مبانی عقیدتی شیعه اثنی عشری و مکتب اسلام ناب محمدی(ص) تا زمان تسخیر لانه جاسوسی امریکا از سوی دانشجویان پیرو خط امام (ره) ادامه داشت؛ فعالیتی که به دلیل پژوهش‌های سطحی و انجام تحقیقات عجولانه و کم مایه، بر از برداشت‌های غلط و اشتباه بود. البته این رویکرد را امریکایی‌ها بعد از فتح جاسوخانه‌شان نیز ادامه دادند به طوری‌که هر از گاه در صحبت‌های مسئولان سیاسی امریکا، اشاره‌ای به مبانی عقیدتی علمی شیعه و تفکر تشیع می‌شد و البته رنگ انتقاد به زاویه‌دار بودن تصمیمات رهبر انقلاب و سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی با آن مبانی هم به خود می‌گرفت‌با همین دلیل نیز امام خمینی در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ ش، در دیدار با نخست‌وزیر امریکایی گفتند: «اسلام شناسی تقریباً رو به تورم است. خوب، صدام هم اسلام شناس شده است! آقای سادات هم جزء اسلام شناس‌هاست که تشخیص می‌دهد که فلان امر موافق اسلام است یا موافق اسلام نیست! اخیراً آقای کار تر هم جزء اسلام شناس‌هاست! در یک جلسه‌ای که مسافرت کرده است، گفته است این کارهایی که در ایران، فلان می‌کند این موافق اسلام نیست! خوب معلوم شد که ما اسلام شناس داریم که به ابعاد اسلام شناسی اضافه می‌شود! فردا بگین هم اسلام شناس می‌شود یا نشده است این! همی می‌گویند موافق اسلام نیست، خوب، شما که اسلام را نمی‌دانید با صاد می‌نویسند یا با سین می‌نویسند، شما که اسلام چه کار دارید؟ یک کتاب می‌نویسد، بعد می‌گوید من اسلام شناسم، اسلام را من می‌شناسم. یکی یک مقاله می‌نویسد، می‌گوید من اسلام شناسم و انش خاصی که مثلاً ۸۰۰ سال زندگی کردند، ۷۰ سال زندگی کردند، همه‌اش هم در اسلام بودند، نه، اینها نمی‌دانند، لکن آقای کارتر می‌داند و رفقای ایشان.»^(۶)

■ **مراکز مطالعات اسلامی و شیعه شناسی امریکا**

با گذشت یک دهه از عصر انقلاب اسلامی و زمانی که امریکایی‌ها انواع روش‌ها را برای بازگشت به دوران سلطه بر ایران امتحان کرده و شکست خوردند، بیش از قبل احساس کردند که به شناخت ایران اسلامی و شیعه شناسی نیازمند هستند. به همین دلیل کم کم کرسی‌های مطالعاتی در زمینه اسلام شناسی، شیعه شناسی و ایران شناسی در دانشگاه‌های مختلف امریکا راه‌اندازی شد. به طور مثال در سال ۱۹۹۱ م. (۱۳۷۰ ش.)، با ایجاد یک مرکز فرایگر مطالعات اسلامی در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد، وارد کنکاش درباره نظام حقوقی اسلام و شناخت مسائل مربوط به آن شدند. همچنین با تأسیس یک مرکز مطالعاتی شیعه شناسی در دانشگاه ییل، شناخت و بررسی عقاید مکتب تشیع را در دستور کار این دانشگاه قرار دادند. توجه داشت که این دانشگاه یک بخش بزرگ با عنوان بخش «مطالعات علوم اسلامی» دارد که از سطح کار شناسی تا مقطع دکتری به تربیت دانشجویان می‌پردازد. جالب است که در این دانشگاه، پژوهش‌های مهمی در رابطه با اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی ایران انجام می‌شود. به طور مثال کتاب «درآمدی بر تشیع – تاریخ و دکترین شیعیان دوازده امامی- اثری از امانوئل مؤمن، یا کتاب «اسلام تندرو» اثری از امانوئل سنویان، از جمله تألیفات بخش شیعه شناسی دانشگاه ییل می‌باشد.»^(۷)

■ **کلام آخر**

در واقع می‌توان گفت که ایالات متحده امریکا در طول بیش از چهار دهه گذشته، تلاش‌های بسیاری برای شناخت عقاید و باورهای شیعی و اسلامی مردم ایران کرده است. تلاش‌هایی که با هدف ضربه زدن به باورهای اعتقادی مردم ایران و البته جلوگیری از صدور اندیشه اعتقادی، سیاسی و انقلابی آنها به سایر کشورهای اتجام داده است، اما واقعیت این است که به رغم همه تلاش‌های امریکا برای ترویج اسلام هراسی، شیعه هراسی، اختلاف افکنی‌ها و تشبیه رایی‌ها، دستاورد مهمی برای ایشان به بار نیاروده و ایران اسلامی در جمیع جهات، از جمله در بخش اعتقادی برای مردمان آزاده جهان جذاب‌تر نیز شده است.

منابع:

۱– راضی نصار، صاحب محمدحسین، مقاله «شرق شناسی و شریعت اسلام»، ماهنامه «فقه»، شماره ۵۴ (دوره چهارم)، مورخ دی ۱۳۸۶ ش. صفحات ۱۵۸ تا ۲۰۰

۲– مستشرقانی چون «فونس اتین دیتته متولد ۱۸۶۱ م. در فرانسه»، «هارى سانت فیلیپ متولد ۱۸۸۵ م. در انگلستان»، «ویولولد وایس متولد ۱۹۰۴ م. در اتریش» و «ولفگردد هوفمن متولد ۱۹۳۱ م. در آلمان» از جمله راه یافتگان حقیقت هستند که اسلام آورده و اثری در تأیید جذابیت قران و اسلام تألیف کرده‌اند.

۳– مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «سناد لانه جاسوسی»، مجموعه ۱۱ جلدی، چاپ ۱۳۸۶ ش. جلد اول، ص ۲۵۴

۴– همان، جلد اول، صص ۸۱۸ و ۸۲۲

۵– همان، جلد ۲، ص ۱۶۵

۶– همان، جلد ۲، صص ۲۰۰ و ۲۰۳

۷– صحیفه امام، جلد ۱۵، صص ۱۸۸ و ۱۸۹
۸– روحانی، محمد، مقاله «مطالعات اسلام شناسی و شیعه شناسی در دانشگاه‌های ایالات متحده امریکا»، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۳، مورخ بهار ۱۳۸۳ ش. صفحات ۲۴۹ تا ۲۵۶